

بوم خبر

منیر فرمانفرمایان هنرمندی که ایران از دست داد

منیر فرمانفرمایان که شب ۳۱ فروردین ماهدر سن ۹۷ سالگی درگذشت، هنرمندی بود که از یک طرف ریشه‌های عمیق در فرهنگ ایران داشت و از سوی دیگر آثارش شهرتی جهانی پیدا کرده بودند؛ به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۷ نزدیک به یک میلیون دلار از آثارش در حراجی‌های هنری فروخته شدند. ۵۲۱ دی ۱۳۹۷، زمانی که حسین پاکدل، مجری دهمین حراج تهران آخرین چکش فروش آثار هنری را زد، اثری بی‌نام از منیر فرمانفرمایان بود که با قیمت ۴ میلیارد تومان رکورددار اشکسته بود. درست یک سال پیش از آن هم، در هشتمین حراج تهران، اثری دیگر از این هنرمند سرشناس، با قیمت ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان، بالاترین رقم فروش را از آن خود کرده بود. این نتایج حراج‌های هنری داخل ایران نبودند که به آثار فرمانفرمایان روی خوش نشان می‌دادند. او هنرمندی با سابقه و شناخته شده بود که کارهایش در جهان هم خریداران زیادی داشت. برای مثال، فروش کلی آثار منیر شاهرودی فرمانفرمایان در حراج‌های سال ۲۰۱۷ نزدیک به یک میلیون دلار بود، چرا که ۱۵ اثر این هنرمند در حراج‌های کریستیز، سائیتز و بونامو، ۹۲۵۰۰۰ دلار به فروش رسیدند. اما اهمیت هنری منیر شاهرودی فرمانفرمایان، تنها به موفقیت او در حراج‌ها محدود نمی‌شد؛ چرا که بسیاری از موزه‌ها و مراکز فرهنگی جهان خواستار نگهداری و نمایش آثار این هنرمند بودند و هنوز هم هستند. در سال ۲۰۱۵، فرمانفرمایان نخستین هنرمند ایرانی شد که آثارش در یک نمایشگاه انفرادی در موزه گوگنهایم نیویورک به نمایش درآمد و دستاقتال منتقدان، کارشناسان و رسانه‌ها قرار گرفت. این هنرمند برای رسیدن به چنین جایگاه بلندی در هنر جهان، راهی طولانی را پیمود. منیر بی‌نام خانوادگی شاهرودی، در سال ۱۳۰۱ خورشیدی در قزوین به دنیا آمد.



هشت ساله بود که به همراه خانواده به تهران آمد. سپس در دانشکده هنرهای زیبای تهران تحصیل کرد و علاقه‌اش به خطوط و فرم‌های خوش‌ترکیب و ساده بیشتر شد. او پس از ازدواج با منوچهر یکتایی، نقاش و شاعر، در سال ۱۳۳۴ (اواخر جنگ جهانی دوم) به نیویورک رفت و در دانشگاه کورنل (Cornell) به تحصیل پرداخت. سپس به مدرسه طراحی پارسونز (Parsons)، که قسمتی از دانشگاه نیویورک بود، رفت و به مدت سه سال تصویرسازی مَد خواند. حضورش در مجامع هنری نیویورک و آشنایی‌اش با هنرمندان بزرگی چون آندی وار هول، آفقی‌های تازه‌ای را پیش روی او گشود. بعد از غیبتی ۱۲ ساله، در سال ۱۳۳۶ به ایران برگشت و در دومین ازدواج خود با ابوالبشر فرمانفرمایان، نام خانوادگی همسرش را به عنوان نام هنری خود برگزید. در دهه ۳۰ و ۴۰ خورشیدی، چندین نمایشگاه هنری در ایران برپا و تعدادی جایزه هنری در یافت کرد. سفرهای متعدد فرمانفرمایان به مناطق مختلف کشور، او را با فرهنگ و هنر سنتی ایران آشنا کرد و آثار بومی بسیاری از جمله نقاشی قهوه‌خانه‌ای، فرش، قالی، نقاشی پشت‌شیشه و راگردآوری کرد. همین آشنایی با فرهنگ و هنر سنتی بود که باعث شد فرمانفرمایان در اواخر دهه ۴۰، به سبک ویژه خودش برسد که ترکیب تکنیک قدیمی نقاشی پشت‌شیشه، اینه کاری، خاتم کاری و هندسه اسلامی و طراحی معمارانه بود. سال ۱۳۵۷ و پس از صادره خانه و بسیاری از آثارش، او دوباره به نیویورک رفت؛ مهاجرتی که ۲۶ سال طول کشید. اما ریشه‌های ایرانی او که در هنرش تجلی بر رنج داشت، در دهه ۸۰ و او دوباره به میهن کشاند. در سال ۱۳۸۳، فرمانفرمایان با بازگشت دوباره به ایران، استودیوی خویش را گشود و بر روی آثاری که در دهه ۷۰ ارائه داده بود، متمرکز شد. برای نخستین بار پس از انقلاب، اثری جسمی از این هنرمند با عنوان «آب روشنایی است» در نمایشگاه باغ ایرانی به نمایش درآمد. آن زمان تاریخ نامروز (به مدت ۱۴ سال)، آثار بسیاری از منیر فرمانفرمایان علاوه بر موزه‌ها و مراکز هنری، در اماکن عمومی هم نصب و به نمایش درآمد.

مدت هاست که این تصویر بی‌رونی عرضه آثار تجسمی در اولین ماه سال را تا اندازه زیادی عادی جلوه می‌دهد و کمتر کسی این پرسش را در ذهن می‌پروراند در روزهایی که به علت فراغت عمومی جامعه می‌توانستیم هیجان انگیزترین رخداد‌های هنری را شاهد باشیم، چطور شد به این کرختی تن دادیم

باشم که نمایشگاه‌گذارم نمایشگاه‌هایی که در طول سال برگزار می‌شوند بیشتر شبیه شو و مهمانی هستند که برای خوش و بش و دیدار دوستانه برگزار می‌شوند بیشتر هنرمندان ایران هم در پی تکرار ایده‌های پیشین خود هستند و با همین نگاه‌ها سال نمایشگاهی گذارند و همین موضوع موجب می‌شود که فرصت و امکان خوبی برای جوان‌ها پیش نیاید و کارهای شان فرصت دیده شدن پیدا نکنند. در میان جوان‌ترها هم متأسفانه این روزها نمایشگاه گذاشتن از کار کردن مهم‌تر شده است و برای همین شاهد هستیم که مثلاً دانشجویان خودم سالگرد بیست و پنجمین نمایشگاه خود را می‌گیرند. نقاشان نسل من مثل شاگردان شان رفتار نمی‌کنند و از این نظر گویی شاگردان مان چیزی از ما یاد نگرفته‌اند.

تعطیلات طولانی برای موزه هنرهای معاصر تهران

بالاخره بعد از همه کم تحرکی‌هایی که در فروردین ماه و به روال هر ساله در اولین ماه‌های سال در فضای هنرهای تجسمی حاکم بود، به‌مورد موزه‌های معاصر تهران هم باید اشاره کنیم که تعطیلی نزدیک به یکساله‌اش انگار قرار است طولانی‌تر از این‌ها هم شود. هر چند در سال‌های اوج فعالیت این مرکز هم رخدادهای نمایشگاهی نه‌چندان منظم و از پیش برنامه ریزی شده‌ای را شاهد بودیم. اما حالا در یک سال می‌شود که مخاطبین هنرهای تجسمی از تماشای گاه و بیگاه و گزینشی تعداد معدودی از آثار گنجینه این موزه هم محروم ماندند. خبر بدتر آنکه مدیران این موزه از اعلام زمان مشخصی برای بازگشایی آن مرتب طفره می‌روند و هیچ معلوم نیست این تعطیلی تا به کی قرار است ادامه داشته باشد.

اردیبهشت سال ۹۷ بود که به دلیل آنچه از سوی مدیران موزه هنرهای معاصر تهران بازسازی و تعمیرات این موزه عنوان شد، در هایش به روی مخاطبان بسته شد و مدیر کل وقت مرکز هنرهای تجسمی، از تعطیلی ۶ ماهه موزه هنرهای معاصر تهران خبر داد. اما همان زمان نیز اعلام شد شاید موضوع بازسازی تا پایان و آذر طول بکشد اما هم اکنون با گذشت یک سال از آغاز بازسازی، همچنان نشانی از بازگشایی موزه نیست و اطلاعات دقیقی هم از روند آنچه بازسازی این مرکز هنری عنوان شده در اختیار رسانه‌ها و مخاطبین قرار نگرفته است. با این تفصیلات بیم آن می‌رود که در گزارش‌های ماه‌های آینده نیز همچنان ناچار به تکرار همین سطرها در مورد وضعیت موزه هنرهای معاصر به عنوان یکی از ظرفیت‌های شاخص ارائه هنرهای تجسمی باشیم.



عکس: موزه هنرهای معاصر تهران

کاتانزارو و فارغ‌التحصیل از مدرسه هنر سن جوانی این فیوره و آکادمی هنرهای زیبای کاتانزارو است. سوزاندن چوب، شکافتن و کندن پوست آن و پوشاندن با لایک سوخته برای نشان دادن روح، جان و گذشته پیکر برجا مانده، از تکنیک‌های این هنرمند در ارائه آثارش است. ایوان بیسولی کیورتور این نمایشگاه در بخشی از استیتمنت آن آورده است: «گاه پیش می‌آید که اثر یک نقاش جوان، به واسطه تکنیک یا جزئیاتی خاص، بیننده را به هنرمندی در گذشته راجع دهد. اما نقاشی‌های باریلارو فقط به این نگاه خلاصه نمی‌شود. توانایی وی در به تصویر کشیدن سلسله عواطف، مخاطب را به گستره پهناوری می‌رساند که گردآورنده آثار این مجموعه نیشا جوادی پور فرزند هنرمند فقید و کارشناس آموزش و تاریخ هنر ساکن آلمان بود و گزیده‌ای از آثار هنری پدر را در طول هفتاد سال فعالیت هنری در این مجموعه ارائه کرد. قدیمی‌ترین اثر نمایشگاه پرتره‌ای متعلق به سال ۱۳۲۳ از این هنرمند و متأخرترین اثر او در این مجموعه هم نقاشی خطی برپایه شعری از خیام مربوط به سال ۱۳۹۱ بود. آخرین اثر استاد که دو ماه پس از آن دار فانی را وداع کرد، همچنین بخشی از آثار هنری محمود جوادی پور که شاید کمتر مجال نمایش یافته بود در این نمایشگاه ارائه شد؛ از جمله آن‌ها آثار گرافیک و طراحی‌های هنرمند که بخش مهمی از فعالیت‌های اوست چرا که جوادی پور از شمار اولین افرادی بود که در ایران به طراحی لوگو پرداختند. همچنین در این مجموعه اتودهای استاد به همراه اولین پوستر گالری ایران یعنی «گالری آدانا» به نمایش درآمد. کتاب گزیده آثار محمود جوادی پور نیز هم‌زمان با روزهای پایانی نمایشگاه در سی‌ام فروردین ماه رونمایی شد.



نمایشگاه هنر مند ایتالیایی جوزپه باریلارو



اثر عبدالحمید بازوکی

حالا همه‌مان می‌دانیم که در عمل گالری‌های فعال تهران به‌زحمت بر هفتاد عنوان بالغ می‌شوند و باقی حرف‌ها در این باره تهران روی کاغذ است و بس؛ و از این میان تنها نگارخانه‌هایی به‌اندازه انگلستان یک دست بودند که نمایشگاهی ویژه را در هفته اول تعطیلات نوروزی در برنامه داشتند. گالری پروژه‌های آران نمایشگاه «هرج و مرج شهری» با آثاری از دادبه بصیر، ایلاز شهبازی و نسترن صفایی را در این روزها ارائه کرد؛ گالری آ نمایشگاه چیدمان و چاپ دستی «رد و سقف» با آثاری از هربرت اوگن و یگانده او اوگروتام را به علاقه‌مندان معرفی کرد. ایران‌شهر نمایشگاه نقاشی فرید جهانگیر و اعتماد نگارستان نمایشگاه آثار حجمی کوروش آریش را با عنوان «عربانی». تا آخرین هفته فروردین ماه فعالیت‌های گالری‌ها به همین اندازه باقی ماند و تنها در آخرین هفته فروردین بود که به نظر رسید رخوت تعطیلات کم رنگ می‌بازد؛ هرچند به آن سرعت که فکر می‌کنیم. از ۲۳ فروردین ماه نزدیک به بیست و پنج نمایشگاه جدید در نگارخانه‌های پایتخت افتتاح شد که همچنان یک سوم ظرفیت این مراکز در ارائه اثر هنری بود و علاوه بر این حتی بانگهی سرسری به تر کیب این نمایشگاه‌ها روشن بود که به جز مواردی یافته بود در این نمایشگاه بر نامه جدی گالری‌ها در سال جدید به شمار نمی‌روند. این روند در هفته پایانی فروردین ماه هم ادامه یافت و حتی در آخرین جمعه افتتاحیه گالری‌ها تنها حدود بیست نمایشگاه جدید معرفی شد. برای باقی گالری‌های هنری تهران حتی در آخرین روزهای فروردین اما انگار هنوز زمان مناسب برای شروع فعالیت‌ها نرسیده بود.



نمایشگاه هنر مند ایتالیایی جوزپه باریلارو

فروردین ماه در عرصه آثار تجسمی چگونه گذشت؟

شروع رخوت آلود هنرهای تجسمی

ستایش روز در غیبت هنرمند فقید

در حالی که فروردین ماه می‌رفت تا تقریباً بی هیچ نمایشگاهی قابل تاملی به آخرین روزهایش برسد، برگزاری یک نمایشگاه در خانه هنرمندان فرصتی ویژه را برای دوست داران هنر نوگرایی ایران شکل داد تا به تماشای یکی از هنرمندان نسل‌های اول مدرنیسم در هنرهای تجسمی ایران بنشینند. نمایشگاه آثار محمود جوادی پور هنرمند فقید با نام «ستایش روز» که از ۲۳ فروردین در گالری‌های ممیز و زمستان خانه هنرمندان برپا شد، از یک جهت دیگر هم جالب توجه به نظر می‌رسد که گردآورنده آثار این مجموعه نیشا جوادی پور فرزند هنرمند فقید و کارشناس آموزش و تاریخ هنر ساکن آلمان بود و گزیده‌ای از آثار هنری پدر را در طول هفتاد سال فعالیت هنری در این مجموعه ارائه کرد. قدیمی‌ترین اثر نمایشگاه پرتره‌ای متعلق به سال ۱۳۲۳ از این هنرمند و متأخرترین اثر او در این مجموعه هم نقاشی خطی برپایه شعری از خیام مربوط به سال ۱۳۹۱ بود. آخرین اثر استاد که دو ماه پس از آن دار فانی را وداع کرد، همچنین بخشی از آثار هنری محمود جوادی پور که شاید کمتر مجال نمایش یافته بود در این نمایشگاه ارائه شد؛ از جمله آن‌ها آثار گرافیک و طراحی‌های هنرمند که بخش مهمی از فعالیت‌های اوست چرا که جوادی پور از شمار اولین افرادی بود که در ایران به طراحی لوگو پرداختند. همچنین در این مجموعه اتودهای استاد به همراه اولین پوستر گالری ایران یعنی «گالری آدانا» به نمایش درآمد. کتاب گزیده آثار محمود جوادی پور نیز هم‌زمان با روزهای پایانی نمایشگاه در سی‌ام فروردین ماه رونمایی شد.

هنرمندی گریزان از برگزاری نمایشگاه

خبر برگزاری نمایشگاهی از نقاشی‌های عبدالحمید بازوکی برای مخاطبان علاقه‌مند به هنرهای تجسمی می‌تواند از اتفاق‌های کنجکاو و رنگیز شمرده شود؛ هنرمند ۶۴ ساله‌ای که در مجموع بیش از سه دهه فعالیت هنری، تعداد نمایشگاه‌های

نمایشگاه گردانی آثار هنرمندان ایتالیایی

اتفاق دیگری که در عرصه نمایشگاهی در برنامه فروردین ماه گالری‌های تهران قابل‌اعتنا به نظر رسید، نمایش مجموعه‌ای از نقاشی‌های جوزپه سالواتوره باریلارو با عنوان «هویت اشکال» و به کیورتوری (نمایشگاه گردانی) ایوان بیسولی بود که ۲۳ فروردین ماه در گالری ساربان افتتاح شد. جوزپه باریلارو متولد ۱۹۸۸ در

بهر روز فائقان

اولین ماه سال ۱۳۹۸، در فضاهای عرضه آثار تجسمی چه گذشت و این شروع دوباره چه جلوه‌هایی از معرفی آنچه هنرمندان این عرصه در سال تازه ارائه خواهند داد، آشکار کرد؟ بر خلاف مرور سالانه رویدادهای عرصه تجسمی که بررسی مختصات فعالیت‌های هنرمندان در سایه کلی گویی‌های معمول فراموش می‌شود، شاید گزارش‌های ماهانه تا اندازه‌ای بتواند تصویری دقیق‌تر از این فعالیت‌ها را برای علاقه‌مندان به هنرهای تجسمی به دست دهد. حالا و با پشت سر گذاشتن فروردین ماه به نظر می‌رسد فرصتی برای شکل دادن به بخشی از این تصویر فراهم آمده است.

فروردین برای مخاطبان جدی‌تر هنرهای تجسمی به طور معمول یکی از ماه‌های کم رونق شمرده می‌شود؛ این تصور تا اندازه‌ای وابسته به کرختی ناشی از تعطیلات طولانی سال نوبالته مقدمه‌ها و مؤخره‌های آن است که دست کم همه فعالیت‌های عرصه فرهنگ و هنر را زیر سایه‌اش می‌برد. حالا مدت هاست که این تصویر پذیرفته شده بی‌رونی عرضه و ارائه آثار تجسمی در اولین ماه سال را تا اندازه‌ای عادی جلوه می‌دهد و دیگر کمتر کسی این پرسش را در ذهن می‌پروراند که در روزهایی که به علت فراغت عمومی جامعه شاید می‌توانستیم هیجان انگیزترین رخدادهای هنری را شاهد باشیم، چطور شد که به این کرختی تن دادیم. در حالی که بر خلاف آمارهای ارائه شده از سوی دفتر دولتی هنرهای تجسمی که شمار گالری‌های هنری پایتخت را ۱۹۸ مرکز عنوان می‌کند،